

روشنی نوشته‌ها

بازگفت‌های مانی و مانی‌گرایان

تبسم غیثی



نوشته‌های روشنی

بازگفت‌های مانی و مانی‌گرایان



نوشته‌های روشنی

بازگفت‌های مانى و مانى گرایان

تبسم غیثی

کتاب سده



نوشته‌های روشنی

تبسم غیثی

چاپ نخست: ۱۳۹۸

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۳۹۰۰۰ تومان

آماده‌سازی و تولید: آلتیه‌ی سده

ناظر فنی چاپ: فرهاد جاوید

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپ تشقایی

تمامی حقوق محفوظ است. هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه‌ی مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا نیست. این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان قرار دارد.

ISBN : 978-600-8986-18-4

کتاب سده

تلفن: ۰۲۱-۶۶۸۶۲۱۴۳ ۰۹۱۲۲۴۷۲۸۳۸

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

فروست

شابک

وضعیت فهرست‌نویسی

عنوان دیگر

موضوع

موضوع

موضوع

موضوع

رده‌بندی کنگره

رده‌بندی دیویی

شماره کتابشناسی ملی

غیثی، تبسم، ۱۳۶۲ -

نوشته‌های روشنی: بازگفت‌های مانوی و مانوی‌گرایان/ تبسم غیثی.

تهران: کتاب سده، ۱۳۹۷.

۱۳۹ ص.؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.

ایران‌شناسی. مطالعات مانوی.

۹۷۸-۶۰۰-۸۹۶۸-۱۸-۴

فیفا

بازگفت‌های مانوی و مانوی‌گرایان.

مانی، ۲۱۶-۲۷۶م.

Mani

مانویت -- دفاعیه‌ها و ردیه‌ها

Manichaeism -- Apologetic works

۱۳۹۷/۹۲۲ع/ BT۱۴۱۰

۲۹۹/۹۳۲

۵۳۱۴۹۰۲

پیشکش به خانواده‌ی نازنینم

که آرامش روزهای نوشتن را وام‌دار آن‌ها هستم.

فهرست

۱۱.....	پیش گفتار.....
۱۳.....	سرآغاز.....
۲۲.....	پیشینه پژوهش درباره‌ی مانی گرایان.....
۳۱.....	بخش نخست؛ درون‌مایه‌ها و شیوه‌های بازگفت در نوشته‌های مانی گرایان.....
۳۳.....	تاریخ شیوه‌های بازگفت در ایران.....
۳۶.....	روایت‌های مانی گرایان.....
۳۷.....	الف. روایت‌های دینی مانی و پیروان او.....
۳۷.....	قطعه‌ی p (M5569).....
۴۰.....	قطعه‌ی e (M48).....
۴۴.....	قطعه‌ی f (M47 I).....
۴۶.....	قطعه‌ی d (M566).....
۴۷.....	قطعه‌ی g (M177).....
۴۹.....	قطعه‌ی b (M49).....
۵۰.....	قطعه‌ی h (M2 I).....
۵۳.....	قطعه‌ی k (M 6033 IR ii) و قطعه‌ی m (M 6031 R ii).....
۵۴.....	قطعه‌ی n (M3).....
۵۶.....	قطعه‌ی o (M454).....
۵۷.....	ب. آموزه‌های تمثیلی.....
۵۷.....	قطعه‌ی dj.....
۵۹.....	قطعه‌ی dm.....
۵۹.....	قطعه‌ی dr.....
۶۰.....	قطعه‌ی fa.....
۶۱.....	ج. آفرینش و دستگاه و فرجام جهان.....
۶۲.....	قطعه‌ی x.....
۶۳.....	قطعه‌ی y.....
۶۵.....	قطعه‌ی z.....
۶۶.....	قطعه‌ی ab.....
۶۷.....	قطعه‌ی ac.....

۶۸	ویژگی‌های بازگفت در نوشته‌های مانی گرایان
۶۸	پیرنگ
۷۲	شخصیت
۷۵	زمان، جای، جو
۷۷	لحن
۸۱	بخش دوم: داستان‌های سفد
۸۳	سرزمین سفد
۸۴	ادبیات سفدی
۸۵	نوشته‌های دینی مانی گرایان به زبان سفدی
۸۸	نوشته‌های برگردان شده به دست مانی گرایان
۸۹	ویژگی‌های روایی داستان‌های سفدی مانی گرایان
۸۹	پیرنگ
۹۰	شخصیت
۹۱	جو، زمان، جای
۹۲	لحن
۹۵	بخش سوم: درون‌مایه‌ها و شیوه‌های بازگفت در نگاره‌های مانی گرایان
۹۷	هنرمندان مانی گرا
۹۹	نگاره‌های مانی گرایان
۱۰۰	نگاره‌ی ۲۵ (IB 6918)
۱۰۰	نگاره‌ی ۲۷ (IB 4815)
۱۰۱	نگاره‌ی ۳ (IB 4979)
۱۰۲	نگاره‌ی ۱۵ (IB 4974)
۱۰۲	نگاره‌ی ۲۰
۱۰۳	ویژگی‌های نگاره‌های مانی گرایان
۱۰۳	ترکیب‌بندی
۱۰۴	رنگ
۱۰۵	نماد
۱۰۵	الف. دست
۱۰۶	ب. گل
۱۰۷	ج. کتاب
۱۰۸	د. هاله‌ی نور
۱۰۸	و. هلال
۱۰۹	ریم - آهنگ
۱۱۳	بخش چهارم: نگاره‌ها
۱۲۹	نمایه
۱۳۵	کتاب‌نامه

«شاگردی سپاس گزارم
که در بابل زمین زاده شدم
زاده شدم در بابل زمین
و به دروازه‌ی راستی ایستاده‌ام.
سرودخوانم، شاگردی
که از بابل زمین آمده‌ام.
آمده‌ام از بابل زمین
تا در جهان خروش برخوانم.»

(M4IIV)

پیش‌گفتار

اگرچه همه‌ی دست‌نوشته‌های مانوی به زبان‌های ایرانی و نایرانی در دست خاورشناسان باخترزمینی است و همان‌ها هستند که با در دست داشتن این دستمایه‌ها پژوهش‌های ژرفی را از دید زبانی و آموزه‌ای در این دین به انجام رسانیده‌اند، با این‌همه، نباید گمان کنیم که ما در این زمینه نمی‌توانیم کاری انجام دهیم و باید پیوسته و دنباله‌رو آن‌ها باشیم. اگر نگاهی به گذشته‌ها بیفکنیم، خواهیم دید که سده‌ها پیش از دستیابی نخستین گروه تورفان‌پژوهی آلمانی - روسی به گنجینه‌های تورفان و تویوق، نویسنده‌ی کتاب حدود العالم من المشرق الی المغرب به زبان پارسی، جایگاه مانویان را در کناره‌ی راه ابریشم همچون نقشه‌ی گنجی نشان داده است و دانشمندان بزرگ ایرانی ابوریحان بیرونی و ابن مقفع و نویسندگان اسلامی چون ابن ندیم به خوبی و درستی به بازگویی آموزه‌ها، باورها و نوشته‌های مانوی و مانویان پرداخته‌اند. با نگرش به این پیشینه‌ی پژوهشی و نیز اینکه دین مانوی در بستر فرهنگ ایران باستان پدید آمده و بسیاری از آموزه‌های آن به زبان‌های ایرانی نگارش یافته است، بایسته است پژوهش‌گران جوان ایرانی در این زمینه دست به پژوهش بزنند و دانشجویان را نیز به پژوهش در این زمینه‌ی پژوهشی ژرف وادارند، چراکه هم از دیدگاه زبان‌شناختی و هم از دیدگاه فرهنگ، تاریخ و باورهای ایران باستان می‌تواند راه‌گشا باشد.

پژوهش پیش رو که به دست بانو تبسم غبیشی دانش‌آموخته‌ی رشته‌ی فرهنگ و زبان‌های باستانی انجام گرفته است گامی است پراج در این راه. باشد که پسند افتد.

با درود و سپاس

آرمان بختیاری، بابلسر، سوم شهریور ۱۳۹۷

سرآغاز

مانی‌گرایی یکی از آیین‌های دوره‌ی میانه‌ی تاریخ ایران است که در مرزهای امپراطوری ساسانی^۱ پا گرفت و در چند سده توانست در خاور تا هندوستان و چین و در باختر تا مرزهای روم رخنه کند و بر فرهنگ و اندیشه‌ی مردم ردّی دیرپای بگذارد. مانی‌گرایان پیروان مانی حکیم بودند که در زمان شاپور یکم، دومین پادشاه ساسانی، که از تاریخ ۱۲ آوریل سال ۲۴۰ تا می ۲۷۰ میلادی حکومت کرد، پیدا شد و آیین خود را در زمانی کوتاه اما در پهنه‌ای بزرگ از سرزمین‌هایی که بر هر یک از آن‌ها دین نیرومندی همچون عیسی‌گرایی، بودایی‌گری و زردشتی‌گری حاکم بود گسترش داد. بدین روی، اگر چه آیین‌های نام‌برده بر دین مانی کارگری داشتند، اما این دین در زمان خود هم‌اوردی نیرومند برای هر یک از این دین‌ها به شمار می‌رفت.

مانی در ۱۴ آوریل سال ۲۱۶ میلادی در شمال بابل^۲، هم‌زمان با پایان دوره‌ی پادشاهی اشکانی^۳، به جهان آمد؛ مادرش مریم از خاندان پادشاهی اشکانی و پدرش فاتک از اهالی همدان بود که به تیسفون در بابل جابه‌جا شده

۱. ۲۲۴ تا ۶۵۱ میلادی.

۲. Babylon؛ از شهرهای حوزه‌ی تمدن میان‌رودان.

۳. ۲۴۷ پیش از میلاد تا ۲۲۴ میلادی.

بودند. فاتک در تیسفون به فرقه‌ی معتسله که فرقه‌ای گنوسی^۱ بود پیوست. معتسله به معنی غسل‌دهندگان و تن‌شویان است و پیروان این آیین شاید از گنوسی‌ان تعمیدی و از پیروان الخسای یا الخسائیوس^۲ نبی بوده‌اند. گمان بر این است که مانی نیز در چهارسالگی همراه پدر خود به میان آن‌ها رفته و در کنارشان زیسته است و کارگری گنوسیسم بر آیین او از همین جا ریشه گرفته است. بر پایه‌ی گفته‌های تاریخی، مانی نزدیک دوازده سال داشته است که برای نخستین بار فرشته‌ای بر او نمایان شده و درستی دین را بر او آشکار ساخته است. دوازده سال پس از آن در واپسین سال‌های پادشاهی اردشیر، نخستین شاه ساسانی، این همزاد دوباره بر او آشکار شده و او را فراخوانده است تا دین خود را بر مردمان آشکار کند. به گفته‌ی نوشته‌های برجای مانده از مانی و پیروان او، مانی در سال ۲۲۸ یا ۲۲۹ میلادی خود را پیامبر روشنی خواند و از آیین تن‌شویان بیرون رفت تا مردمان را به دین خود راهنمایی کند. دین او با وجود دشمنی‌های بسیار پادشاهان دین‌مدار ساسانی و بزرگان دین زردشتی، به‌زودی در ایران و سرزمین‌های کرانه‌های آن پیروان فراوان یافت. در سال ۲۴۱ میلادی، مانی برای گستردن آیین خود به هندوستان سفر کرد. در این سفر که نزدیک یک سال به درازا کشید با آیین هندو بیشتر آشنا شد که در آراستن نوشته‌ها و شیوه‌ی نگاره‌های آیینی بر آنان کارگری بسیار داشت.^۳ او در زمان شاپور یکم به تیسفون بازگشت و مورد مهر این شاه قرار

۱. کیش گنوسی یا Gnosticism از مکتب‌های مهم دینی - عرفانی صدر مسیحیت است. مکاتب گنوسی بیشتر بر پایه‌ی دیدگاه‌های عارفان صدر مسیحیت مانند شمعون مُغ، والتین، مرقیون و بازیلیدس بنا شده‌اند.

۲. Elxai؛ از بزرگان فرقه‌ی معتسله که هم‌زمان با مانی می‌زیسته است.

3. Ghoobeishi, Tabassom (2019), A Glance at Manichaeistic Art and Its Origins in the journal of materials XXII of the International scientific and practical conference «BASIC AND APPLIED RESEARCHES IN the MODERN WORLD» (29 January 2019, Saint-Petersburg, Russia), ISSN 1354-2307.

گرفت، چنانکه پادشاه را در جنگ‌های بزرگ همراهی کرد. مانی بیرون از کرانه‌های ایران و در سرزمین‌های شمال شرقی نیز به سفرهایی پرداخت که بیش از بیست سال به درازا کشید. در خاور نیز مانی‌گرایی در آسیای میانی و هند رخنه کرد و در فرارود رواج یافت. برخی از تاریخ‌نگاران نوشته‌اند که مانی سفری نیز به چین کرده است، اما این دیدگاه نزد دانشمندان مورد تردید است. او در میان سال‌های ۲۴۴ و ۲۶۱ میلادی گروهی از آموزگاران دین خود را که پیش از آن به روم نیز رفته بودند به سوی مصر روانه کرد. این گروه با کامیابی بزرگی روبه‌رو شد و تا اسکندریه پیش رفت. در میان سال‌های ۲۶۱ تا ۲۶۲ عیسی‌گرایان کرکوک نیز به دین مانی روی آوردند. گزارش‌چندی از سفرهای مانی به سرزمین‌های فراتر از مرزهای ایران در دست‌نوشته‌های آنان برجای مانده است و بی‌گمان سفرهای دیگری نیز در میان بوده که گزارشی از آن‌ها نمانده است. در میانه‌ی یکی از همین سفرها، بهرام ساسانی^۱ مانی را فراخواند (M3)^۲. موبدان آیین زردشتی پادشاه را برانگیخته بودند تا با مانی گستاخی کند. بهرام پس از گفت‌وگویی ناخوشایند با مانی فرمان داد او را به زندان بيفکنند و در زنجیر کنند و سرانجام مانی پس از بیست‌وشش روز گرفتاری در دوم مارس ۲۷۷ میلادی و در ۶۱ سالگی یا کمی بیشتر جان سپرد.

مانی که در پایه از بزرگ‌زادگان بود و خود را مانند زردشت و بودا و عیسی فرستاده‌ی خدا می‌دانست برای پایان دادن به آموزه‌هایی که پیامبران پیش از او آورده بودند دینی تازه و همگانی را گسترش داد که مانند دین عیسی در آن به روی همه‌ی مردم از هر نژاد و به هر گونه باز بود. اگر پایه‌ی دین مانی

۱. پادشاهی از ژونن ۲۷۱ تا ۲۷۴ میلادی.

۲. این علامت شناسه‌ی اختصاری نوشته در مجموعه‌ی تورفان را نشان می‌دهد:

A Catalogue of the Iranian manuscripts in Manichaean script in the German Turfan Collection.

را فلسفه‌ی دوین آن بدانیم، باید بپذیریم که این آیین بیش از هر چیز بر پایه‌ی بن‌مایه‌های آیین زردشت پای گرفته است. جغرافیای جهانی که مانی می‌نمایاند، نبرد نیروهای نیک و بد، اهریمنی که به سرزمین روشن نیکی می‌تازد و دیوان و ایزدان همیشه در نبرد، همه جهان و آفرینش دین زردشت را به یاد می‌آورند. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که «صورت اصلی ایرانی آیین مانوی، که می‌توان گفت کلید آیین و تفسیری تازه، یعنی تفسیر غنوسی، از سنت زردشتی در آن است، پذیرای تفسیرهای مسیحی و بودایی شده است. اما این واقعیت همچنان باقی است که آیین مانوی را فارغ از ریشه‌های دین زردشتی نه می‌توان توضیح داد و نه می‌توان حتی فهمید. این امر نه تنها در شئون آموزه‌ای و بالاخص دینی آن، بلکه همچنین در لوازم سیاسی و سیاسی - مذهبی آن صادق است. درحقیقت، پیام مانی ظاهراً برای شاپور اول در حکم یک برنامه بوده است؛ برنامه‌ای نه فقط برای کسانی که به سنت زردشتی وابسته بودند، بلکه همچنین برای پیروان جریان‌های بزرگ دینی ایرانشهر، از مسیحی تا بودایی، که کرتیر^۱ متعصب در کتیبه‌هایش از سرکوب کردن آنان به خود بالیده است» (نیولی، ۱۳۹۵: ۸۸).

چنین گمان می‌رود که به هنگام مرگ شاپور در نزدیکی سال ۲۷۳ میلادی با آنکه کیش زردشت همچنان دین رسمی شاهنشاهی بزرگ ساسانی به شمار می‌آمده است، مانی‌گرایی به‌راستی در میان مردم ایران ریشه دوانده و پای گرفته بود. اما مزدابروستی که پیشاپیش از سوی دو دین در حال گسترش بودایی در خاور و عیسی‌گرایی در باختر مورد فشار قرار داشت دین مانی را نیز از درون ایران هم‌آوردی نیرومند برای خود به شمار آورد. پس از جانشین

۱. کرتیر یا کردیر، موبد پرنفوذی که در زمان هفت پادشاه ساسانی زیسته است. او دین زردشت را که تا آن زمان باورهای چندی به آن پیوسته بود یکدست کرد و در رسمی کردن این دین و کارگری آن بر سیاست دوران ساسانیان کوشید و به کتاب اوستا تقدیمی تازه بخشید.

شاپور - هرمزد - یعنی در زمان بهرام دوم، بزرگان دین زردشت به سرپرستی کرتیر با کیش مانی به تندی روبه‌رو شدند که پیامد آن بهرام فرمان داد مانی را بکشند. در برخی از بازگفت‌ها آمده است که پوست از بدن مانی کنند و آن را از کاه انباشتند و بر دروازه‌ی گندی شاپور آویختند تا همگان از آن پند گیرند (افشار شیرازی، ۱۳۳۵: ۴۸۴ تا آخر) و دیگران بر این باورند که وزنه‌هایی سنگین از دو دست و دو پای مانی آویختند و او را در زندان رها کردند تا درگذشت (افشار شیرازی، ۱۳۳۵: ۵۳۴). در پی آن نیز پیروان مانی یا به بند کشیده و کشته شدند یا از مرزهای پادشاهی ساسانی به بیرون گریختند. کتاب‌های مانی گردآوری و سوزانده شد و از این زمان تا پایان پادشاهی ساسانیان سرکوب‌های خونین مانی‌گرایان به دست زردشتیان پیوسته ادامه داشت. کرتیر در سه کتیبه‌ی معروف خود در فارس با افتخار از آزار مانی‌گرایان و پیروان عیسی و برهمنان سخن گفته است (تفضلی، ۱۳۸۹: ۹۳ - ۸۹). این اگر چه از پیروان مانی می‌کاست، اما همچنان برگسترش دین مانی در جغرافیایی پهناورتر افزود. مانی‌گرایان رفته‌رفته گروه‌های خود را به بیرون از کرانه‌ی شمال باختری ایران و در فراسوی رود سیحون بردند. جانشین‌های مانی گروه پرشمار مانی‌گرایان را رهبری کردند و در این میان تکیه‌ی پیروان مانی در پهنه‌ی جهان بیش از هر چیز بر نامه‌ها و نوشته‌های مانی و بزرگان دین او بود. این همان مرده‌ریگ مانی و مانی‌گرایان است که در این نوشته بر ارزش آن پای خواهیم فشرد.

مانی و پیروان او به نگارش و آراستن نوشته‌های آیینی خود بهای فراوانی می‌دادند و این در جای خود دگرگونی باارزشی در تاریخ و فرهنگ ایران به شمار می‌رود، زیرا، از یک سو، تا پیش از آن زردشتیان سرودها و نیایش‌های دین خود را تنها از بر می‌کردند. «سابقه‌ی نوشتن در ایران به سده‌ی ششم پیش از میلاد بازمی‌گردد. نگارش اسناد دولتی، سیاسی و اقتصادی (مانند مطالب

کتیبه‌ها، چرم‌نوشته‌ها و سفال‌نوشته‌ها) در ایران از دیرباز معمول بوده است. اما توسعه‌ی نگارش آثار دینی و ادبی تا سده‌های نخستین مسیحیت مورد بحث است. شواهد حکایت از آن دارد که تکامل ادبیات از صورت روایی و نقلی به صورت نوشتاری در بخش دوم از عصر ساسانیان صورت پذیرفته است» (زرشناس، ۱۳۸۴: ۷). به‌گمان زردشتیان کلام مقدس پس از نوشته شدن آلوده می‌گشت و بدین روی آنان از نوشتن کتاب مقدس خود، اوستا، روی‌گردان بودند. موبدان دین زردشت هنگام خواندن نیایش‌های آیینی لب‌های خود را بسیار کم می‌گشودند و چنان آرام کلام مقدس را می‌خواندند که بازدم برآمده از سینه‌شان کلام را نیالاید.^۱ بر این پایه، بر شانه‌ی چند تن از بزرگان دین زردشت بود که کلام مقدس را از بر کنند و آن را به همین شیوه به زادروند پس از خود برسانند. برای آموزش پایه‌های دین زردشتی نیز از گفتار به جای نوشتار استفاده می‌شده است. سرودهای زردشت در ستایش ایزدان و ایزدبانوان و امشاسپندان و خدای یکتا و همچنین داستان‌های اسطوره‌ای و آیینی ایرانیان باستان با آیینی ویژه خوانده می‌شد. این سرودها سینه به سینه به آیندگان رسیده است و گفته شده است که تنها یک نسخه از اوستا وجود داشته که بر پوست نوشته شده بوده و در خزانه‌ی شاهی هخامنشیان نگاه‌داری می‌شده و در زمان یورش سپاه اسکندر به ایران، در آتش سوخته است. اما در این باره می‌توان به دیدی تردید نگریست، زیرا به‌گفتار بودن ادبیات بومی ایران و داستان‌ها و شعرهای مردمی که گاهی درون‌مایه‌ای بسیار همانند با داستان‌های اساطیری ایران دارند تأیید می‌کند که شاید آموزه‌های دینی نیز به‌گفتار نگاه‌داری می‌گشته‌اند. موبدان زردشتی تنها در هنگامی رویارویی با آیین‌های هم‌اورد مانند عیسی‌گرایی و اسلام که در زمان ساسانیان پیشرفت

۱. هنگام نیایش در برابر آتش نیز دهان خود را می‌پوشاندند تا هوای دم و بازدم آن‌ها آتش مقدس را آلوده نسازد.

چشم‌گیری داشتند، در اندیشه افتادند که نوشته‌های مقدس خود را بنویسند. برای این خواسته، الفبایی تازه و بسیار دقیق ساختند که از الفبای فارسی میانه‌ی زردشتی مایه گرفته بود. اما در برابر این، مانی یکی از برتری‌های دین خویش بر دین‌های دیگر را داشتن آثار نوشتاری به زبان‌های رایج و گوناگون می‌داند (MS794). هم‌اکنون نیز آثار مانی‌گرایان به سه زبان ایرانی فارسی میانه، سغدی و پهلوی اشکانی وجود دارد. از سوی دیگر، گونه‌گونی آثار مانی‌گرایان را به شعر، قصه و تمثیل، نامه، اندرزنامه، نگاره و... می‌توان پیشرفتی چشم‌گیر در زمینه‌ی ادبیات و آفرینش گونه‌های ادبی در آن دوره به شمار آورد؛ این خود موضوع دیگری است که کارگری ماندگار فرهنگ دینی و هنری مانی‌گرایان و دگرگونی فرهنگی پیرو آن در ایران را اثبات می‌کند.

مانی و پیروان او آثار خود را با تیزی بی‌مانند و توانایی هنرمندانه می‌نوشتند و می‌آراستند؛ چنانکه کتاب و کتاب‌آرایی نزد ایشان به یک صنعت دگرگون گشت. پیروان مانی در رونویسی نوشته‌های او بسیار تیزبین بودند و در دست‌نوشته‌های آنان کمتر پیش می‌آید که با اشتباه در نگارش روبه‌رو شویم. همچنین، مانی‌گرایان در آرایش نوشته‌های خود هنری بی‌اندازه نشان می‌دادند که تا پیش از آن در کتیبه‌ها دیده نمی‌شد. «گفته شده است که مانی خود خوش‌نویسی برجسته و نقاشی چیره‌دست بود، شهرتی که کاوش‌های آسیای مرکزی بدان صحنه می‌گذارند. چون قطعات پیداشده در این کاوش‌ها نه‌تنها به خط ظریف و زیبایی نگارش یافته، بلکه با تذهیب و نگاره‌هایی هم‌ترتیب شده که احتمالاً به سبکی که به سبک خود مانی برمی‌گردد اجرا گردیده است» (هامبی، ۱۳۸۹: ۱۱). توجه مانی‌گرایان به نوشتن و کتاب‌آرایی بر همه‌ی فرهنگ‌های دینی و پادشاهی پس از خود در خاورمیانه کارگری داشت که از آن میان می‌توان نگارگری چینی و همچنین مکتب‌های مختلف کتاب‌آرایی اسلامی و ایرانی را نام برد. نوشته‌های مانی‌گرایان

دربرگیرنده‌ی کتاب‌های دینی و نامه‌هایی است که از خود مانی یا آموزگاران و بزرگان دین او بر جای مانده‌اند. مانی هفت کتاب داشت که آن‌ها را به زبان مادری خود - آرامی باختری - نوشته بوده است و گاهی پیروان او این نوشته‌ها را به زبان‌های دیگر برمی‌گردانده‌اند. در آثار قبطی و چینی نیز از نوشته‌های مانی یاد شده است و نوشته‌هایی نیز به همین زبان‌ها وجود دارد. بر پایه‌ی گزارش ابن ندیم در الفهرست هفت کتاب مانی از این قرارند:

۱. انجیل زنده یا بزرگ [= در فارسی میانه، اونگلیون]؛
۲. گنجینه‌ی زندگان [= در فارسی میانه، سمیتی‌ها؛ در الفهرست ابن ندیم، سفرالاحیاء؛ در آثارالباقیه‌ی بیرونی، و تاریخ یعقوبی، کنزالاحیاء و در التنبیه مسعودی، کنز]؛
۳. فرقاطیا [= به یونانی: رساله‌ها]؛
۴. رازها [= در فارسی میانه، رازان، در الفهرست، سفرالاسرار؛ در التنبیه، سفرالافسار]؛
۵. غولان [= در پهلوی اشکانی، کوان، در الفهرست، سفرالجباره]؛
۶. نامه‌ها [= در فارسی میانه، دیوان؛ در الفهرست، رسائل]؛
۷. مزامیر و دعاها.

سه کتاب دیگر مانی نیز ارزشمند است [= به پهلوی اشکانی: آردهنگ] و شاپورگان، و کفالایا [= به یونانی: روایات] نام دارند که از این میان آردهنگ یا آردهنگ به‌تمامی نگاره بوده است و متأسفانه جز چند برگ رونوشت چیزی از آن برجای نمانده است که در درستی آن‌ها گمانه‌زنی می‌شود و نمی‌توان با اطمینان به آن‌ها نگاه کرد. شاپورگان نیز تنها کتاب مانی است که به فارسی میانه‌ی زردشتی نوشته شده و مانی در آن پایه‌های دین خود را برای شاپور شرح داده بوده است.

بیشتر نوشته‌های مانی و پیروان او به نگاره‌های هنرمندانه‌ای آراسته بوده

است و افزون بر آن، در بین سطرهای نوشته‌ها نقش‌های گیاهی نازک و زیبایی دیده می‌شود که نوشته‌ها را آرایش می‌دهد (نگاره‌های ۵ و ۶). این نگاره‌های گیاهی در سده‌های پس از آن و پیرو چیرگی اسلام بر ایران و سرزمین‌های نزدیک به آن در هنر بی‌مانند تذهیب پدیدار شد، چنانکه شیوه‌ی چهره‌پردازی نگاره‌های مانی‌گرایان نیز در کتاب‌های آموزشی و ادبی بعد از اسلام نمایان شده است. بنابراین، «مدت‌ها پس از اینکه دین مانی از بین رفته بود، هنر مانوی در فرهنگ ایرانی نیرویی پویا و زنده بود [...] و همین تأثیر پایا اهمیتی خاص به هنرهای مانوی در تاریخ هنر ایران بخشید» (هامی، ۱۳۸۹: ۳۵).

فرهنگ بابلی و آیین‌های زادگاه مانی در میان‌رودان بر توجه او به نوشتن و آرایش کتاب کارگری داشت. اما یکی دیگر از دلایل بها دادن مانی‌گرایان به نوشتن درون‌مایه‌های دین خود کارگری آیین عیسی و انجیل‌های چهارگانه‌ی او بر مانی بوده است. «انجیل» نامیدن یکی از کتاب‌های مانی (اونگلیون) نشان می‌دهد که او به نوشته شدن آثار دینی عیسی و یاران نزدیک او توجه داشته است. دلیل دیگر توجه مانی‌گرایان به نوشتن و گردآوری آموزه‌هایشان گستره‌ی بزرگ جغرافیایی است که در آن مردم را به آیین مانی فرامی‌خواندند. گاه مانی فرستاده‌هایی به سرزمین‌های دیگر روانه می‌کرد که آنان آثار او را به زبان مردم همان سرزمین برمی‌گرداندند و گاهی نیز نام خدایان و فرشته‌ها را از دین پیشین همان سرزمین وام می‌گرفتند تا مردم هنگام آموختن آیین تازه نزدیکی بیشتری دریابند و آن را به‌آسانی بپذیرند. «آثاری که از مانویان به زبان‌های گوناگون، مانند قبطی و چینی و ترکی و فارسی میانه و پارتی و سغدی و بلخی، تا کنون به دست آمده و فهرستی از کتب و رسالات آنان که ابن ندیم ذکر کرده است مؤید این مدعاست» (تفضلی، ۱۳۷۸: ۳۳۳). بزرگان آیین مانی هم برای گفت‌وگو پیرامون درون‌مایه‌های دین خود با پیروان

دین‌های دیگر و هم برای آموزش پایه‌های دین به مردم سرزمین‌های گوناگون کتاب می‌نوشتند. با نیم‌نگاهی به کارگری اندیشه‌های تن‌شویان و گروه‌های گنوسی بر مانی، می‌توان چنین پنداشت که در نگارگری و به کار بردن نگاره‌های گیاهی در میان نوشته‌ها نیز از همان آیین‌ها کارگری پذیرفته باشد. پیروان مانی در سرودن شعر نیز توانا بودند و گمان می‌رود که هدف آن‌ها از سرودن شعر گسترش اندیشه‌های دینی و فلسفی مانی بوده است. شعرهای مانی‌گرایان گاه بلند و گاهی کوتاه است و درون‌مایه‌ی نیایشی دارد و به سه زبان پهلوی اشکانی، پهلوی (فارسی میانه‌ی زردشتی) و قبطی سروده می‌شده است. با توجه به اینکه ادبیات دینی زردشتی در سال‌های پایانی شاهنشاهی ساسانی و سال‌های نخستین پیدایش دین اسلام به نوشتار درآمده است و از پیش از آن به‌جز کتیبه‌ها و سنگ‌نوشته‌های پادشاهان که بیشتر درون‌مایه‌ی سیاسی دارند، اثر نوشتاری دیگری به دست نیامده است، کشف دست‌نوشته‌های مانی‌گرایان گنجینه‌ای بس گران‌بها به شمار می‌رود که هم ارزش زیبایی‌شناسانه و هم ارزش تاریخی بسزایی دارد. تا پیش از سال‌های نخستین سده‌ی بیستم، تنها می‌شد از میان نوشته‌های کتاب‌های تاریخی و دینی دیگر به وجود پیامبری به نام مانی و آیین او پی برد. نوشته‌هایی که گاه به افسانه می‌مانند و گاه از آن روی که به دست زردشتیان یا پیروان دین‌های عیسی یا اسلام نوشته شده‌اند، بدبینانه و نادرست می‌نمایند. اما کاوش‌های سده‌ی بیستم افق‌های تازه‌ای به روی پژوهش‌گران و خاورشناسان گشود که با یاری آن بسیاری از پرسش‌های تاریخی و فرهنگی ایران و سرزمین‌های اطراف آن پاسخی درخور یافتند.

پیشینه‌ی پژوهش درباره‌ی مانی‌گرایان

در سال‌های آغازین سده‌ی بیستم که روسیه‌ی تزاری بر بخش شمالی چین

چیره بود، گروهی از پژوهش‌گران روسی به گنجینه‌ای از دست‌نوشته‌های ناشناخته دست یافتند که زیر شن‌زارها پنهان مانده بود. آنان کاوش‌گران موزهی مردم‌شناسی برلین^۱ را فرا خواندند تا برای شناسایی نام و نشان و تاریخ این دست‌نوشته‌ها و پژوهش درباره‌ی آن‌ها به آنان بپیوندند. بدین روی، چهار گروه از کاوش‌گران آلمانی در فاصله‌ی بین سال‌های ۱۹۰۲ تا ۱۹۱۴ میلادی برای پژوهش درباره‌ی این گنجینه کوشیدند؛ اما شوربختانه شیوه‌ی نادرست کاوش گروه نخست چندان پیروزمندانه نبود و به سبب آنکه بخشی از دیوارنگاره‌ها را هنگام کندوکاو ویران کرد، مورد نکوهش قرار گرفت. اما سرپرست موزه‌ی مردم‌شناسی برلین یعنی فریدریش ویلهلم کارل مولر^۲ پیروز شد بر گره‌های پاره و آسیب‌دیده‌ی این کاوش را بخواند و ریشه‌ی مانی‌گری آن را باز شناسد. او از دست‌نویس‌هایی که به خط پهلوی اشکانی نوشته شده بود رمزگشود و آن را شاخه یا گویشی از زبان پهلوی دانست.

پس از آن، گروه دوم در دره‌ی تویوق^۳ در نزدیکی خوچو^۴ کار کاوش را پی گرفت و در ویرانه‌های یک نیایش‌گاه به دست‌نوشته‌های آسیب‌دیده‌ای به زبان‌های مانی‌گرایان و بودایی و عیسی‌گرایی و ترکی و چینی دست پیدا کرد که گزارش آن در سال ۱۹۱۰ منتشر شد. سومین کاوش در شش جایگاه در سوی باختری ناحیه‌ی تورفان^۵ انجام گرفت، اما تنها از یکی از جایگاه‌ها در مُرتو^۶ نوشته‌ها و نگاره‌های مانی‌گرایان به دست آمد. در گزارش کاوش چهارم در باختر تورفان تنها به دیوارنگاره‌های به دست‌آمده از آن جایگاه

-
1. Museum Für Völkerkunde
 2. Friedrich Wilhelm Karl Müller
 3. Tuyog
 4. Khočo
 5. Turfan
 6. Murtuk

اشاره شده و چنین می‌نماید که در آنجا هیچ دست‌نوشته‌ای یافته نشده است. برگه‌ها و فرورده‌های یافته‌شده در این چهار کاوش به خط‌ها و زبان‌های گوناگونی نوشته شده‌اند و به سده‌های سوم تا نهم میلادی بازمی‌گردند. این برگه‌ها بسیار آسیب دیده‌اند و شمار اندکی از آن‌ها را می‌توان سراسر خواند. نوشته‌ها با جوهر بر کاغذ و گاهی چرم و باریزبینی و بسیار پاگیزه گاه در یک ستون و گاهی در دو ستون نوشته شده‌اند. درون‌مایه‌ی نوشته‌ها نیز گوناگون است و در میان شمار بسیار زیاد نوشته‌های دینی پیروان مانی و بودا، چند پیمان دادوستد و پیوند زناشویی و نوشته‌های پزشکی و واژه‌نامه نیز به چشم می‌خورد. دوری یا نزدیکی زمان نوشته‌شدن آن‌ها بر پایه‌ی شیوه‌های نوشتن الفبا و گوناگونی شیوه‌ی خواندن واژه‌ها گمانه‌زنی زده شده است.

پس از مولر پژوهش روی دست‌نوشته‌های کاوش‌های دیگر را دانشمندان دیگری پی گرفتند. «اگر در اینجا از دیگر بزرگان زمان او، که در کنار یا پس از وی کوشیدند، یاد نکنیم، تصویر پیشینه‌ی تورفان پژوهی ناقص خواهد ماند. از هندشناسان بزرگی چون هاینریش لودرس^۱ و ارنست والدشمیت^۲، ترک‌شناسانی چون ویلی بنگ^۳ و آنه‌ماری فون گاباین^۴ و ایران‌شناسانی چون والتر برونو هنینگ^۵ و مری بویس^۶ که هر یک در زمینه‌ی کاری خود دست‌نوشته‌ها را ویرایش و بررسی و رمزگشایی کرده‌اند» (زوندرمان، ۱۳۸۱: ۱۸۰).

مری بویس نیز بیشتر دست‌نوشته‌هایی را که به زبان پهلوی اشکانی و

-
1. Heinrich Lüders
 2. Ernest Waldschmidt
 3. Willi Bang
 4. Annemarie von Gabain
 5. Walter Bruno Henning
 6. Mary Boyce

مانوی تورفانی نوشته شده بود حرف‌نویسی و گاه آوانویسی کرد و در بسیاری از آن‌ها دگرگونی یافته‌های کار خود را با برآیند پژوهش هنینگ به‌صورت پاورقی بر کار خود افزود. مجموعه‌ای که بویس گردآوری کرده است به‌صورت یک درس‌نامه همراه واژه‌نامه‌ی آن منتشر شد و تا کنون نیز بهترین و برجسته‌ترین کتاب آموزش این زبان به شمار می‌رود. هنینگ نیز داستان‌های نمادین آیین مانی را که به خط و زبان سغدی نوشته شده بودند گردآوری و آوانویسی و برگردان کرد. در ایران، ابوالقاسم اسماعیل‌پور کار نیمه‌تمام زنده‌یاد مهرداد بهار در ترجمه‌ی نوشته‌های مانی‌گرایان را به پایان رساند و همچنین برگردان ارزشمندی از کتاب هانس یواخیم کلیم کایت را که گزارش کاملی از همه‌ی دیوارنگاره‌ها و نگاره‌های مانی‌گرایان در تورفان است به چاپ رساند. در زمینه‌ی بررسی و رمزگشایی و تفسیر نگاره‌های آیینی مانی نیز پژوهش‌های پراکنده‌ای انجام شده است که نمادهای دیداری را گشوده‌اند که بیشتر آن‌ها گزارش‌هایی کلی یا موردی هستند.

اما نکته‌ای که درباره‌ی آثار به دست آمده در ناحیه‌ی تورفان ارزیابی نشده است، ارزش ادبی و بازگفتی [=روایی] آن‌ها است. چنان که پیش‌تر از آن سخن رفت، کهن‌ترین نوشته‌های ادبی و خلاقه در ایران به دوره‌ی پادشاهی ساسانی بازمی‌گردند و پیش از آن داستان‌ها و سرودهای آیینی به‌گفتار و سینه به سینه به دورانی رسیده‌اند که سرانجام به‌صورت نوشتار درآمده‌اند، اما شاید نه به‌صورت نخستین خود و با دگرگونی‌هایی که در گفتار نمی‌توان آن را پیشگیری کرد. بنابراین، به‌جز کتیبه‌ی بیستون که از روزگار پادشاهی داریوش یکم^۱ مانده است و تا اندازه‌ای می‌توان آن را بازگفت به شمار آورد، دیگر نوشته‌های آیینی از آن روی که در دوران آفرینش خود به نوشتار درنیامده‌اند،

۱. پادشاهی از ۵۲۲ تا ۴۸۶ پیش از میلاد.

گویای زبردستی و شیوه‌های داستان‌سرایی و بازگفت دوران خود نیستند. اما نوشته‌های به‌دست‌آمده از تورفان افزون بر ارزش تاریخی و زبانی‌شان ما را از شیوه‌های بازگفت، نامه‌نگاری و داستان‌پردازی در روزگار خود آگاه می‌سازند. این نوشته‌ها اگر چه پس از بررسی‌های دیرینه‌شناسان از زاویه‌ی زمانی در سده‌های سوم و چهارم تا نهم میلادی آفریده و بسیار پس از نوشته‌های زردستی و ساسانی نوشته شده‌اند، اما گمان می‌رود که با نگاه به آیینی بودن و تقدس آن‌ها بی‌کم‌وکاست از روی نمونه‌های نخستین رونویسی شده باشند. برخی از کهن‌ترین این نوشته‌ها را خود مانی نوشته است و از این دیدگاه، ارزشی دوچندان دارند.

نگاره‌ها و دیوارنگاره‌های مانی‌گرایان نیز اگر چه بخت بلندتری داشته‌اند و از دیدگاه فنی و زیبایی‌شناسی بررسی شده‌اند، اما ارزش بازگفت آن‌ها به‌عنوان کامل‌کننده‌ی نوشته‌ها و داستان‌ها نادیده گرفته شده است.

این نوشتار بر آن است تا افزون بر بررسی درون‌مایه‌ها و موشکافی بازگفت نگاره‌ها و نوشته‌ها، نسبت بینامتنی میان این دو گروه اثر را روشن سازد و با ریزینی بیشتری این نخستین نمونه‌های ادبیات نوشتاری دوران میانه‌ی تاریخ ایران را بازبینی کند.

از آنجا که نخستین ویژگی هر اثر آفریده بازگفتی بودن آن است، اثر هنری خواه نوشته باشد، خواه نگاره و خواه تندیس و پیکره، دربرگیرنده‌ی یک بازگفت و همچنین اندیشه‌ای است که هنرمند هنگام آفرینش آن در سر داشته است. از این دیدگاه، آثار دینی به‌تمامی به آموزه‌ها و درون‌مایه‌های دینی خود وابسته‌اند؛ به‌گونه‌ای که می‌توان همه‌ی آن‌ها را همچون زنجیره‌ای از نمادها و نشانه‌ها به شمار آورد که حلقه‌های این زنجیره را از دیدگاه مفهوم و درون‌مایه به یکدیگر وابسته می‌سازند. همچنانکه می‌توان آن‌ها را در کنار هم و بدون هم تفسیر کرد. از این دیدگاه و با توجه به نظریه‌ی بینامتنی که

به آن اشاره خواهد شد، می‌توان دسته‌ای نشانه و نماد و حتی پیام و آموزه را در یک نوشته‌ی دینی در چشم داشت و پیوند آن را با دیگر نوشته‌های همان آیین آثار دیداری آن دین و نگاره‌ها و حتی ساختمان‌های آن بیان کرد. با نگاه به این ساختار پیچیده، دین مانی در جایگاه آیین و مکتبی که برای نخستین بار در ایران به ماندگاری آثار خود بها داد و در کنار آن از نشانه و انگاره [=تصویر، ایماژ] و نگاره [=نقاشی] نیز برای بیان بهتر درون‌مایه‌های خود بهره گرفت، امکان بررسی بینامتنی آثار خود را با هم و با آثار آیین‌های دیگر به دست می‌دهد.

این پژوهش وابسته است به نگره‌ی بینامتنی و سر آن دارد که پیوند بینامتنی میان نوشته‌ها و نگاره‌های مانی‌گرایان را بازشناسد. هر متن می‌تواند متن‌های دیگر را نیز به شیوه‌های گوناگون در دل خود جای دهد. این درهم‌تنیدگی متن یا متن‌ها در متنی دیگر را بینامتنی^۱ می‌خوانیم. متن درهم‌تنیده می‌تواند نشانی از متن‌های دیگر را چه به روشنی و چه در هاله‌ای از رمز و راز در خود بپذیرد. بینامتنی راهی است که به کمک آن یا صدای متن‌های دیگر پررنگ‌تر می‌شود یا رودرروی هم می‌ایستند و چندصدایی بوجود می‌آید. بنابراین، اگر چه بودن متن‌های دیگر در بینامتنی اهمیت زیادی دارد، اما پدید آمدن یک متن یگانه و استوار به خود، پایه‌ی بینامتنی است. از سویی، برای شناخت این درهم‌تنیدگی از بررسی صداها، گوناگون و اشاره‌های مستقیم و غیرمستقیم به دیگر متن‌ها گریزی نیست و، از سوی دیگر، بررسی آمیختگی و چگونگی کنار هم قرار گرفتن همین گونه‌گونی است که به بینامتنی معنا می‌دهد. پیوند متن میانی با دیگر متن‌های میانی و سپس، با متن اصلی شبکه‌ی پیچیده‌ای را می‌سازد که بدون آن‌ها متن کنونی معنایی ندارد و موجودیت خود را نیز از دست می‌دهد. در واقع، هستی متن کنونی به نگه‌داری همین پیوندها وابسته

1. Intertextuality

است. این متن‌ها می‌توانند درون‌مایه‌های سیاسی، تاریخی، اجتماعی، فلسفی یا هر درون‌مایه‌ی دیگر را مستقیم یا غیرمستقیم برسانند. گاه حتی به‌کار بردن تک‌واژه‌ای که در متنی دیگر کلیدواژه شمرده می‌شود کافی است تا به آن متن اشاره کند، بی‌آنکه از آن سخنی رانده باشد. مانند آرایه‌ی ادبی تلمیح که تنها به اشاره‌ای خواننده‌ی متن را برای لحظه‌ای از جایی (متن در حال خوانش) به جایی دیگر (متن ارجاعی) راهنمایی می‌کند. بررسی اینکه خواننده یا شنونده‌ی متن با چه شتابی و چگونه و چرا به متن دیگر راه می‌برد امکان درک بهتری از متن اصلی و این‌جایی را به ما می‌دهد. برای نمونه، کافی است که به ابراهیم و آتش و گلستان اشاره شود تا مخاطب به‌سادگی به متن دینی این بازگفت راه یابد. اکنون، اینکه چرا باید مخاطب به چنین متنی و در کجا بازگردانده شود به چگونگی پیوند پیچیده‌ی این متن میانی با متن‌های دیگر و متن اصلی باز می‌گردد.

نظریه‌ی بینامتنی از مهم‌ترین زیربناهای ادبی و فلسفی قرن بیستم است که به‌دست ژولیا کریستوا^۱، بانوی فیلسوف، روان‌کاو و رمان‌نویس بلغاری پا گرفت. از زمان پیدایش این نگره که نزدیک به پنجاه سال از آن می‌گذرد، زمینه‌های گوناگونی در پیوند با آن بررسی شده و گسترش یافته‌اند. «متن» در گذشته تنها به نوشتار اشاره می‌کرد و بیشتر به معنای نسخه — به‌ویژه نسخه‌های دست‌اول و دست‌نوشت — به کار می‌رفت. معنایی که فیلسوف و نشانه‌شناس فرانسوی، رولان بارت^۲، برای متن بیان کرد، دگرگونی زیادی در برداشت‌های گوناگون از این واژه ایجاد کرد. از دیدگاه او، متن در برابر اثر جای می‌گیرد. متن، برعکس برخی از معناهای گذشته، درون‌مایه‌ی غیرکالبدی اثر است. این متن نسبت به کالبد و نسبت به پدیدآور هویتی

1. Julia Kristeva
2. Roland Barthes

غیروابسته دارد. پس از این، متن زمینه‌های گسترده‌ای پیدا کرد و هر یک از پیکره‌های پژوهش - به‌ویژه در علوم انسانی - به‌نوعی متن به‌شمار آمدند. بر پایه‌ی این باور، جامعه و اجتماع نیز متن به‌شمار می‌روند. با نگرش نوینی که کریستوا و بارت نسبت به متن ارائه کردند، هر متنی دارای پیوندهای میان‌متنی است و بر پایه‌ی همین پیوندها آفریده می‌شود. بنابراین، متن همواره رَدپایی از متن‌های دیگر در خود دارد. نگره‌ی بینامتنی بر این باور است که هر متنی بر پایه‌ی متن‌های پیشین خود شکل می‌گیرد و هیچ متنی نیست که کاملاً مستقل ساخته یا حتی دریافت گردد. بنابراین، در ساخت و دریافت یک متن همواره پیش‌متن‌ها نقشی بنیادی دارند.

برای این پژوهش از میان نوشته‌های مانی‌گرایان متنی‌هایی انتخاب شده‌اند که ویژگی‌های بازگفتی بیشتری دارند و از همین روی بر نوشته‌هایی که جنبه‌ی آموزش دینی یا اسطوره‌ای دارند تکیه‌ی چندانی نشده است. در راستای برپایی پیوند با نگاره‌ها از نمونه‌هایی استفاده شده است که بازگویی آیین یا تاریخی از دین مانی هستند. از آن روی که بیشتر نگاره‌ها آسیب دیده‌اند، برای موشکافی و بازخوانی آن‌ها از گزاره‌های پژوهشگران پیشین نیز سود جستیم. نگاره‌ها نیز از دو کتاب ادبیات مانوی از مهرداد بهار و ابوالقاسم اسماعیل‌پور و همچنین کتاب هنر مانوی نوشته‌ی هانس یواخیم کلیم‌کایت برگردانده‌ی ابوالقاسم اسماعیل‌پور برگرفته شده است.